

ویژه نامه دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت / مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت

۱۸-۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مختصری درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - بخش دوم

دکتر رضا داوری اردکانی



اشاره: استاد دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و از چهره‌ها و شخصیت‌های علمی ممتاز کشور است که آثار علمی فراوانی از ایشان به جامعه علمی و دانشگاهی ارائه شده است. مسئولیت کمیته علمی دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر عهده ایشان است. آنچه در ادامه می‌خوانید بخش دوم از دیدگاه‌ها و سخنرانی ایشان در نخستین کنفرانس الگو است.

اقتصاد که با اهتمام دولت و متصدیان و مسئولان امور و کارشناسان و دانشمندان جمهوری اسلامی صورت گیرد، پیشرفت اسلامی - ایرانی است. نظر دیگر این است که این پیشرفت‌ها باید متناسب با سوابق فرهنگی و موافق با روح دین و نظام دینی باشد و بتوان نشان دین را از آن یافت. صاحبان نظر اول هم منکر این موافقت و تناسب نیستند، اما فکر می‌کنند که اگر پیشرفت‌های علمی - اجتماعی حاصل شود و طراحان و رهروانش ایرانی معتقد به اسلام و وابسته به نظام دینی باشند، پیشرفت صفت ایرانی - اسلامی پیدا می‌کند. شاید یک اندیشه ایده آل هم وجود داشته باشد و آن اینکه ایرانی - اسلامی شدن پیشرفت یعنی پیش آوردن طرحی جدید برای ایجاد تحول نظم جهان مدرن. معلوم است که فرهنگ و علم پشتیبان و تجدید این را نمی‌پسندد و در نمی‌یابد و نمی‌پذیرد و چه بسا که آن را محال قلمداد کنند. آیا ما می‌توانیم با علم و تحقیق اثبات کنیم که این راه گشودنی است. برای ورود در این راه، قدرت فکری و اخلاقی و دانشی لاقط معادل با قدرت روحی و فکری کنونی عالم تجدید لازم است. پیش از آن باید به فکر فراهم آوردن شرایط و مقدمات و در جستجوی نشانه‌های تفکر آینده بین بود. این مقدمات و نشانه‌ها عبارتند از:

۱- دگرگونی در نظر و نگاه انسان به جهان و موجودات. از آنجا که اصل پیشرفت بر مبنای تصرف در جهان و تملک ادامه در صفحه ۳

پیشرفت لفظ آشنایی است و ظاهراً در معنی اش هم ابهامی وجود ندارد، مع هذا اگر از ما بپرسند که پیشرفت را در چه می‌دانیم و از راه آن به کجا می‌خواهیم برسیم، شاید پاسخ روشن و دقیقی نداشته باشیم و ندانیم که برای پیشرفت چه مقدماتی فراهم باید کرد و راه آن را چگونه هموار باید ساخت و پیمود، ولی در هر صورت این را می‌فهمیم که پیشرفت امری نیکو و خواستنی است و با آن لاقط بعضی نیازهای ما تامین می‌شود. پس طبیعی است که همه مردم جهان طالب آن باشند. این طلب اگر چه در آغاز تاریخ تجدید از پشتوانه تفکر فلسفی و اراده به ساختن و پرداختن جهان زندگی بهره مند بوده است، اکنون تقریباً در همه جا و به خصوص در جهان مایل به توسعه، بیشتر ناظر به احساس برتری جهان توسعه یافته و تابع میل به بهره‌مندی از اشیاء مصرفی تکنیک و تکنولوژی‌های رفاه است. باید گفت هر کشوری باید راه توسعه‌اش را خود اختیار کند و پیاداست که در کشور انقلاب اسلامی هیچ راهی نیست که به راه دین نیبوند و پیشرفت هم باید خاص اینجا باشد. چگونگی ایرانی اسلامی شدن پیشرفت را سهل نباید انگاشت. پیاداست که تدوین و تهیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بستگی به تلقی تدوین کنندگان از معنی صفت ایرانی - اسلامی و نحوه نسبت آن با پیشرفت دارد. یک نظر این است که هر پیشرفتی در زمینه علم و تکنولوژی و سیاست و

نگاهی به مفاهیم، مبانی و ارکان الگو

دکتر صادق واعظزاده*



کمتر از دو سال از تأسیس مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به ابتکار رهبر فرزانه انقلاب اسلامی می‌گذرد. طی این مدت مرکز توفیق داشته است که به همت استادان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه و صاحب‌نظران پر تجربه و نیروی جوان و فکور کشور در جهت تحقیق و تدوین و گفتمان پردازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام بردارد. کنفرانس‌های کاری الگو یکی از این گام‌ها است. اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با موضوع نقشه راه تهیه و طراحی الگو در اردیبهشت ماه سال گذشته برگزار شد و در کنار بیش از ده برنامه دیگر که با تلاش فکری حدود یک هزار تن از استادان و صاحب‌نظران انجام شد، به تعیین فرآیند و نقشه‌راه تهیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتهی گردید. دومین کنفرانس به تهیه و تدوین مفاهیم، مبانی و ارکان الگوی پیشرفت اختصاص یافته است. این امر ابتدا به ساکن آغاز شده است. متفکران اسلامی به‌ویژه در نیم قرن اخیر تلاش‌های ارزشمندی در تشریح مفاهیم اسلامی انجام داده‌اند که در تهیه و تدوین الگوی پیشرفت باید به‌عنوان عناصر و مواد لازم مورد استفاده قرار گیرد. البته نوآوری در مفهوم‌سازی و تبیین منظومه مفاهیم مرتبط و نظریه‌پردازی پیرامون موضوع پیشرفت ضروری است. تعیین مبانی الگو به‌عنوان سنگ زیرین برای بنای رفیع تمدن پیشرفته اسلامی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. نوآوری اصلی الگو نسبت به نظریه‌ها و مدل‌های توسعه متعارف، عمدتاً در همین مبانی نهفته است و گرنه در بنای الگو دستاوردهای بشری مورد نیاز و استفاده خواهد بود. مبانی الگو اهمیت آن را مسلج می‌سازد، انسجام درونی الگو را تضمین می‌نماید و نحوه استفاده از دستاوردهای دیگران و جایگاه آن را در الگو تعیین می‌کند. در مباحث مقدماتی الگو، مقولات فکر، علم و معنویت به‌عنوان ارکان الگو پیشنهاد شده است که خود بر مبانی ارزشی و معرفتی الگو استوار می‌شوند. این ارکان نیازمند شرح و بسط و نقد است که انشاءالله در جریان ارائه مقالات و مباحث کنفرانس دوم انجام خواهد شد. امید است دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ضمن تعریف شفاف و متمایز مفاهیم بنیادین الگو، مبانی و ارکان الگو را با نگاهی کل‌نگر و در مجموعه‌ای منسجم تبیین کند. این امر نیاز به شجاعتی دارد که از تسلط بر معارف دینی و دستاوردهای فکری و برخوردار از ملکه اجتهاد در این مباحث ناشی می‌شود و خوشبختانه این تسلط و شجاعت در متفکران حاضر در کنفرانس کمیاب نیست.

* استاد دانشگاه تهران

تمدن نوین اسلامی؛ نیازمند عزمی بزرگ و هماهنگ

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی

مقام معظم رهبری مدظله العالی در جمع استادان و صاحب‌نظران اعضای اندیشکده‌های «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» مطالب بسیار مهمی ایراد فرمودند که می‌تواند سنگ بنای مستحکم یک ساختار و چراغ راهنما برای حرکت سریع،



اما سنسجیده و مدبرانه و سرشار از نشاط باشد و اکنون تکلیفی بسیار سخت و سنگین بر دوش یکایک آن جمع و همه کسانی نهاده شده است که آن ندا و آن صلاهی عام و خاص را شنیده‌اند تا دامن همت بر کمر زنند و همچون مجاهدان مخلص صدر اسلام و شیروازان جان بر کف امام خمینی (ره) در جبهه‌های دفاع مقدس، با روحیه جهادی به پی‌ریزی و پی‌افکنی و برآوردن ساختاری پولادگون بپردازند که به خواست خدا تا پایان روزگار بیاید و از باد و باران فتنه‌ها و فتنه‌گرها گزند نیابد. اما نیک پیاداست که چنین کاری را عزمی بزرگ و هماهنگ باید و مردانی بزرگ‌تر و هماهنگ‌تر و هم‌آواتر و این، کاری است بسیار صعب و سهمگین که جز با نصب‌العین قرار دادن اهمیت خطیر و عظیم هدف و کار و گذشت و اخلاص به سرانجام نخواهد رسید. کمر بستگان این کار خطیر باید هم‌خویش را همی‌واحد کنند و بام و شام و نیمروز و نیمشب و گاه و بیگاه یکسره در اندیشه به سامان و سرانجام رسانیدن این کار ماندگار و پایدار باشند و همه رنجهای کلان را در راه رسیدن به این مقصد بزرگ بر خود هموار سازند بلکه آنها را راحت شمارند که به گفته مولانا:

رنج راحت دان چو مقصد شد بزرگ
گرد گله توتیای چشم گریز

تمدن نوین اسلامی؛ هدفی متعالی لیکن قابل حصول

دکتر هادی اکبر زاده*

امروزه تمدن غرب با دستاوردهای شگرف مثبت و بی‌آمدهای منفی خود تمامی عرصه‌های حیات بشری را تحت تاثیر قرار داده است و شاید نتوان هیچ فرد یا جامعه‌ای را پیدا کرد که از این اثرپذیری مصون مانده باشد. این تمدن قدرتمند و مهاجم که همچون درختی تنومند بر جوامع بشری سایه افکنده ریشه در انسان محوری (اومانیسیم) دارد که معطوف به قدرت، ثروت و لذت است و به همین دلیل - علیرغم شاخ و برگ فراوان و هیمنه خیره‌کننده خود - نمی‌تواند بشریت را از میوه فلاح بهره‌مند سازد. دوراندیشان و باریک‌بینان از هم‌اکنون آفت زدگی این درخت را در پژمردگی سرشاخه‌های آن بوضوح مشاهده می‌کنند. تضعیف بنیان خانواده، انحطاط فزاینده اخلاقی و جنسی، زوال معنویت دینی در کنار روحیه جنگ طلبی و افزون خواهی نشانه‌های بارز افول تمدن غرب هستند.



انقلاب اسلامی با توجه به مبانی مستحکم اسلامی خود این ظرفیت و رسالت را دارد که پایه‌گذار تمدن نوینی باشد که محاسن تمدن غرب نظیر پیشرفتهای علمی و فناوری و رفاه عمومی را دارا باشد اما از معایب آن همچون بی‌عدالتی، دنیا‌مداری و سکولاریزم مبرا باشد. ملت تاریخ‌ساز ایران همانگونه که در برپایی و شکوفایی تمدن اولیه اسلامی در اعصار گذشته نقش آفرین بوده است امروزه نیز می‌تواند پرچم دار این موج تمدنی جدید ادامه در صفحه ۳

چپستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن

دکتر محسن الویری دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

بیشترین تناسب را با مفهوم "الگو" در عنوان "الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" دارد، باید پذیرفت که یکی از الزامات آن تولید پرسشها و پاسخهایی است که به مثابه مبانی الگو بر تمامی اجزاء و ابعاد آن سایه‌افکن خواهد بود. این مبانی گونه‌های مختلف دارد و یک گونه آن، ناظر به خاستگاههای معرفتی و دینی یعنی وجه اسلامیت الگو است. این مبانی معرفتی خود قابل تقسیم به هفت دسته زیر است: مبانی معطوف به تعریف و جایگاه دین، مبانی معطوف به مسائل معرفت‌شناختی، مبانی معطوف به مسائل هستی‌شناختی، مبانی معطوف به مسائل انسان‌شناختی، مبانی معطوف به مسائل جامعه‌شناختی، مبانی معطوف به مسائل پیشرفت و سرانجام مبانی معطوف به مسائل تمدن‌شناختی. هر یک از این محورها، انبوهی از زیرمحورها را در برمی‌گیرد. نگاهی واقع‌گرایانه به سرمایه‌ها و شرایط کنونی حوزه‌های علمیه، سهم این نهاد را افزون بر توسعه گفتمانی و تولید علم در این مسیر، در سه نقش محوری زیر خلاصه می‌کند: تدوین مبانی معرفتی و نظارت بر اشراق و اعمال این مبانی در اجزای الگو و نیز مشورت‌دهی در تدوین دیگر مبانی و لایه‌های الگو. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین قالب برای تحقق این سهم، تأسیس یک دبیرخانه حوزه‌ای برای مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به منظور تجمیع ظرفیتهای حوزه است.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل، ۹۷)

تأسیس مرکزی مستقل برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را باید نقطه عطفی در کلان‌نگری‌های منتهی به سند رسمی در کشور دانست. اهمیت این تصمیم را می‌توان در این محورها بیان کرد: چاره اندیشی برای اجرایی شدن همه کلان‌نگری‌های نظام، ارتقاء سطح پرداختن به تدوین الگو از قوه مجریه یا مجمع تشخیص مصلحت نظام به سطح رهبری نظام، تأسیس یک نهاد ویژه برای پرداختن به این موضوع و جلوگیری از کارهای پراکنده و موازی و ناهمسو، برجسته ساختن تقداهای معرفتی که در باره توسعه به مفهوم غربی مطرح است و استفاده از واژه پیشرفت به جای توسعه، برجسته ساختن ضرورت نگاه کاربردی و واقع‌گرایانه و مبتنی بر شناخت محیط از طریق افزودن قید ایرانی، برجسته ساختن انتظار خاص از حوزه‌های علمیه و زمینه‌سازی برای حضور رسمی حوزه به مثابه یک نهاد در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور. چگونگی نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه در تدوین این الگو، در گرو رسیدن به تصویری روشن در باره چپستی الگوست. اگر بپذیریم که از بین چهار معنای "نقشه راه"، "مدل"، "سرمشق" و "نظریه سیاسی"، واژه "مدل"



تاملی در مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر علینقی مشایخی*
برای بحث در مورد الگوی اسلامی ایرانی باید نخست منظور خود از الگو را مشخص نمود. اگر مفهوم الگو روشن نباشد معلوم نخواهد بود که برای روشن شدن الگو چه سئوالات مشخصی را باید پاسخ داد. بدون روشن شدن مفهوم الگو، تلاش‌هایی که برای تعیین الگوی اسلامی ایرانی صورت می‌گیرد، تلاش‌های متفرق و در جهات مختلف خواهد بود که نه تنها الگو را روشن نمی‌کند، بلکه ممکن است ابهام و سردرگمی نیز ایجاد کند. آنچه از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به طور کلی برداشت می‌شود آن است که باید مبتنی بر تعالیم و ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی که خود متأثر از تعالیم اسلامی است، باشد. ولی این برداشت کلی معلوم نمی‌کند که منظور از الگویی که باید آن ویژگی‌های کلی را داشته باشد، چیست. هدف این نوشتار ارائه یک برداشت از مفهوم الگو و عناصر تشکیل‌دهنده آن است. بدین منظور مفهوم الگو از طریق معرفی عناصر تشکیل‌دهنده آن و تعریف آن عناصر تبیین می‌شود. برای مشخص کردن الگوی اسلامی ادامه در صفحه ۴



آسیب شناسی توسعه در دنیای اسلام مورد توجه قرار گیرد

اشاره: دکتر غلام رضا جمشیدیها، دانشیار و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی یکی از اعضای کمیته علمی دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. در ادامه مصاحبه ویژه نامه کنفرانس با ایشان را می‌خوانید.



سؤال دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را از نظر اهمیت و گستره‌ی محورها و زیر محورها چگونه ارزیابی می‌کنید؟
محورهای مطرح شده در سطح نظر خوب و شایسته است. به هر حال پیشرفت یک امر انسانی - اجتماعی، در دوره ای از تاریخ ایران و دنیای اسلام در مقایسه با دیگر کشورها پیشرفته تر بوده است. اما به اعتقاد این جانب آسیب شناسی عدم توسعه یافتگی دنیای اسلام هم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.
سؤال محورها و موضوعات مطرح شده چقدر می‌تواند ایجاد فضای فکری مناسب و افزایش مشارکت دیگر صاحب‌نظران را به دنبال داشته باشد؟
فکر می‌کنم که تاثیر خود را داشته است. راه ساده اثبات این موضوع دریافت مقاله های متعددی است که برای کنفرانس ارائه شده است.
سؤال مهمترین چالشها و مشکلات بازدارنده پیشرفت ملی را در چه مواردی می‌دانید؟
پاسخ به این سؤال بستگی به این دارد که از کدام منظر پاسخ دهیم. اینجانب با توجه به علاقه مندی به نظریه دولت و تمدن، مشکلات را در تیم دولت و برنامه ها، رویکردها و ... می‌دانم. خوشبختانه مشکلات ذهنی زمینه‌ای وجود ندارد.
سؤال مهمترین اهداف و راهبردهای پیشرفت سریع و پایدار را در چه مواردی می‌دانید؟
پیشرفت در یک کشور را قواعد مقصوب مجلس و اسناد بالادستی آن مشخص می‌کند.
سؤال هرگونه نقطه نظر یا مطالب تکمیلی راجع به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:
به نظرم آنچه در بحث پیشرفت بدان توجه نشده است ... جامعه ای است که باید پیشرفت معطوف به آن باشد.

تدوین الگوهای نظری با سبغی ایرانی اسلامی: مروری روش شناختی بر تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

دکتر علیرضا صادق زاده قمصری / عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس



امروزه در تمامی دانش‌های کاربردی با مساله پیچیده شکاف بین نظریه و عمل مواجه هستیم. این مساله در عرصه سیاست گذاری و (Theory-Practice Gap) برنامه‌ریزی راهبردی جوامع معاصر، به لحاظ لزوم ابتدای این فرایند بر مبانی نظری معتبر، به نحو جدی‌تری مطرح بوده و حل و فصل آن، یکی از مهم ترین زمینه‌های توسعه همه جانبه و پایدار به شمار می‌آید البته تاثیر پدیده‌هایی نظیر جهانی سازی (ویا جهانی شدن) و به تعبیر درست‌تر استیلای فرهنگ و اندیشه غربی بر روند تولید نظریه‌های علمی و بروز پیامدهای آن در محدوده‌های فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی خاص - یعنی جوامع غیر غربی - باعث عمیق تر شدن شکاف بین فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی در این جوامع با نظریه‌های علمی رایج شده است در این مسئله به طور کلی تا کنون دو رویکرد نسبت به نحوه مواجهه با نظریه‌های جهان شمول مدنظر قرار گرفته است:
۱- پذیرش مطلق (جهانی گرایی) یعنی لزوم تکیه بر نظریه‌های جهان شمول و تجارب جهانی و فارغ از توجه به فرهنگ بومی و مسائل ویژه موقعیت‌های خاص و ۲- عدم پذیرش مطلق (بومی گرایی) یعنی ضرورت تولید دانش بومی با تکیه بر فرهنگ و ارزشهای جامعه خودی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بر این اساس با نظر به مسائل و مقتضیات خاص جامعه خود. اما تحلیل دقیق تر نشان می‌دهد که هریک از این دو رویکرد به نوعی بخشی از واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرند، زیرا رویکرد نخست هم تلقی می‌کند و هم (value free) نظریه‌های علمی را اموری مستقل از فرهنگ و ارزش توجه مناسب به واقعیت‌های بومی و محلی را بر نمی‌تابد و رویکرد دوم لزوم بهره‌مندی از حقائق و واقعیت‌ها و تجارب مشترک انسانی در سطوح فراملی را مورد تردید قرار می‌دهد و با تاکید بر ابتدای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی بر تولید نظریه‌های علمی معتبر و بومی (که لاچرم روندی طولانی مدت و بسیار زمان‌بر است) برای مواجهه با مسائل و چالش‌های فعلی راه حل ارائه نمی‌کند. در این مقاله پس از نقد این دو رویکرد متعارف، رویکرد بدلی معرفی و تبیین می‌گردد که از سوی نویسندگان برای تدوین مبانی نظری طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش ابداع و طراحی شده و با موفقیت به نتیجه رسیده است.
در این رویکرد "تدوین الگوهای نظری" از طریق مطالعه انتقادی نظریه‌های مختلف و ارزیابی تجارب جهانی در یک حوزه مشخص و پردازش ترکیبی سازوار از آنها، متناسب با فرهنگ و ارزش‌های بومی و ناظر به شرایط و مقتضیات بومی و محلی مورد توجه قرار می‌گیرد. مقصود از "الگوی نظری" در این رویکرد، "طرحواره مفهومی نظام‌مندی است متشکل از عناصر مربوط به موضوع و روابط میان آنها که با تکیه بر مبانی و مفروضات فلسفی مستدل و مقبول در نظام فکری - ارزشی جامعه (مبانی و ارزش‌های برگرفته از فرهنگ اسلامی و ایرانی) و نقد مباحث نظری رایج و تجارب موفق جهانی، پاسخ‌های مستدل و رضایت بخشی را برای پشتیبانی نظری از فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در شرایط و موقعیت‌های خاص (بومی - محلی) فراهم می‌آورد. این گونه پاسخ‌ها در شرایط خلا تئوریک (ناشی از فقدان نظریه‌های علمی معتبر و متناسب با فرهنگ بومی) می‌توانند به مثابه پشتوانه نظری نسبتاً استواری برای حل مسائل و چالش‌های عملی بکار آیند و از انقیاد مطلق سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نسبت به نظریه‌های غریبومی و تجارب جهانی و یا حرکت‌های عمل‌گرایانه خام و تدابیر مبتنی بر سلیقه و تجارب محدود و سطحی برای حل مسائل پیش روی جامعه پیشگیری می‌کنند. در نتیجه می‌توان این رویکرد را به لحاظ روش شناختی به منزله حدواسطی بین تحقیقات نظری آکادمیک و پژوهش کاربردی محض و سازوکاری مکمل برای آنها دانست. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان راهبردی در بخش‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توانند با تکیه بر این رویکرد در شرایط فعلی جامعه اسلامی ایران (وجود خلا آشکار نظریه‌های علمی معتبر و متناسب با فرهنگ اسلامی و ایرانی در عموم حوزه‌های علوم انسانی اجتماعی) حرکتی شتابان و هوشمندانه برای تحقق چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران را سامان بخشند.

درآمدی بر روش شناسی و ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر عبدالمجید شیخی / دکتری اقتصاد، پژوهشگر و عضو هیئت علمی

شهید محمدباقر صدر طراحی آنها در مرحله «تکوین» است که در شرایط مبانی و چارچوب تدوین یافته مکتب (زیربنا) این مدل‌ها «روینا» شکل گرفته‌اند. (شهید صدر، ۲۷-۲۶) این در حالی است که در شرایط کنونی در جامعه اسلامی ایران هنوز نه تنها تجربه‌ای از کنش و واکنش متغیرهای الگوی اقتصاد اسلامی و سایر ابعاد آن وجود ندارد، بلکه هنوز ابعاد مکتب اقتصادی اجتماعی اسلامی تدوین نشده است و در مرحله «کشف» (شهید صدر، ۲۷-۲۶) قرار داریم. لذا کار و وظیفه و مقدماتی اندیشمندان در وهله اول اکتشاف مکتب است. بنابراین الگوی اسلامی ایرانی باید در ابعاد اکتشافی طراحی شود. شهید بزرگوار آیت الله صدر تلاش کرده تا همین کار را با همین روش شناسی به سر انجام رساند. در این صورت به لحاظ روش شناسی به عنوان مثال بخش اقتصادی مدل طراحی شده در قالب الگوی اسلامی ایرانی در این مرحله اکتشاف، نیازی به رهیافت ریاضی ندارد. و یا طرح جزئیات باید تابعی از طرح کلیات الگو شود و در صورت نیاز به استنباط و استدلال محورها بحث تفصیلی مطرح و در اینجا عندالزوم ممکن است کار به رهیافت ریاضی و گراف و غیره کشانده شود.



در ادبیات علوم انسانی، به خصوص ادبیات علم اقتصاد موضوع طراحی و پیشنهاد الگو مانند الگوی اساسی رشد نئوکلاسیک‌ها، کلاسیک‌ها، کینز و الگوی ادوار تجاری حقیقی و غیره جزء متون کلیدی و جا افتاده در سر فصل‌های محوری اقتصاد کلان قرار گرفته‌اند. این الگوها دارای ویژگی‌هایی هستند و یا به عبارت دیگر طراحان الگو کوشش کرده‌اند الگو را به گونه‌ای طراحی نمایند تا از پس پاسخ به گره‌های مطرح در چرخه اقتصاد جامعه برآیند، از جمله عمدتاً معرفی این الگوها در قالب مدل‌های رشد، کوشش در جهت جامعیت نسبی پاسخگویی، برخورداری از فروض اساسی اقتصاد سرمایه‌داری مانند مطلوبیت نفع شخصی، عقلانیت، وجود نرخ بهره و امثالهم، استفاده از رهیافت ریاضی، پاسخگویی و شمولیت در کل چرخه اقتصاد (شامل: تولید، توزیع و مصرف)، پویایی مدل و معرفی مقصدی که در آن مطلوبیتی مانند اشتغال کامل عوامل در بلند مدت وجود دارد. تنوع در معرفی الگو خبر از اختلاف فکری در زمینه راه‌های وصول به مقصد اشتغال کامل و تعادل در بلندمدت است. اما مهمترین ویژگی این مدل‌ها بنا به قول

تمدن نوین اسلامی؛ هدفی متعالی لیکن قابل حصول

ادامه از صفحه ۱ باشد. شک نیست که برپایی تمدن کاری سترک است و همت بلند، عزم راسخ، دستان بهم گره کرده و در عین حال پایمردی و صبوری می‌طلبد. شکوفایی هیچ تمدنی در گستره زمانی یک نسل حاصل نشده است. برای برپایی یک تمدن نوین، کوشش هم افزا و برنامه ریزی شده نسل‌های متوالی ضروری است. بعضی از اهل نظر بر این باورند که کوچکترین واحد زمانی در فرایند تمدن سازی ده سال است. یعنی باید ایستگاه‌های میانی برای ارزیابی دستاوردها (milestone) را ده ساله در نظر گرفت. برنامه محوری و نگاه راهبردی شرط دیگر موفقیت است. بزرگی می‌گفت تمدن سازی همچون تعمیر کشتی بر روی آب است. نمی‌شود یک جا و طی یک مرحله همه چیز را عوض کرد. باید قطعات بتدریج و با اولویت بندی بازسازی و تعویض شوند. تا زمانی که نظریه جدید دینی با کاربرد بومی تولید نکرده باشیم در عرصه عمل مجبور به بکارگیری نظریات حاکم مکاتب دیگر خواهیم شد. بر این اساس نظریه پردازی و تولید محتوا با تکیه بر مبانی اسلامی یک ضرورت جدی است. فضلا و اندیشمندان حوزوی و اساتید علوم انسانی بیشترین سهم و سنگین ترین مسئولیت را در تأمین این نیاز بر عهده دارند.

نکته آخر آنکه روند پیشرفت جامعه به سوی تمدن نوین ماهیت شبه ارگانیک دارد و نه مکانیکی. لذا الگوی پیشرفت یا برنامه مدیریت تحول جامعه همچون نقشه رشد یک موجود زنده، پیچیده است و تنها با به میدان آوردن همه ظرفیت‌های کشور قابل ترسیم است. طراحی الگوی پیشرفت نه یک پروژه با زمان بندی محدود که یک فرآیند مستمر درون زاست که تنها در بستر گفت‌وگو و بحث و اذعان نخبگانی در پذیرش عمومی جامعه حاصل می‌شود. برگزاری کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های هدفمند بسترهایی هستند که به هم افزایی اندیشه‌ها و پالایش و تعمیق آنها و نهایتاً ترسیم افق‌ها و گستره‌ها الگو کمک خواهند کرد.

مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارای گه‌ای کوچک و رسالتی بزرگ است. مرکز الگو نه یک ستاد فرماندهی و عملیات که یک کانون راهبردی و ساماندهی است. این مرکز فراهم آورنده بستری برای به میدان آمدن ظرفیت عظیم فکری و نخبگانی کشور و نیروی محرکه جوانان برای ترسیم افق آینده روشن جامعه و دورنمای تمدن نوین اسلامی است.

✽: استاد دانشگاه صنعتی اصفهان و معاون علمی و تقسیم کار ملی مرکز

ضرورت‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی

دکتر حسن بنیانیان / پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



برای جلب این مشارکت، شناخت، تبیین و تبلیغ گسترده ضرورت‌های تدوین الگوی پیشرفت الزامی است. از نظر نویسنده ضرورت‌های تدوین الگو شامل عرصه‌های زیر است:

- ۱- ضرورت‌های عام که در همه جوامع و کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد.
 - ۲- ضرورت‌های خاص که شرایط ویژه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند.
 - ۳- آثار و فوائد جانبی تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی برای مقابله با چالش‌ها و موانعی که در این مرحله از تحولات کشور در مباحث نظری خودنمایی می‌کند.
- سازماندهی مجموعه اقدامات مدیریتی برای انعکاس چنین ضرورت‌هایی در بین نخبگان مشارکت‌کننده باید به عنوان گام مستقلى در فرآیند طراحی این الگو مدنظر قرار گیرد.

ابزارسازی و بهره‌گیری از همه فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای رشد و تعالی انسان‌ها و طی کردن مسیر کمال در شرایط امروز جهان که تجلی و نتیجه مدیریت راهبردی فرهنگی جامعه اسلامی است، عمده‌ترین هدف طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است و این امر مهمترین و بزرگترین گام سازمان یافته برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی می‌باشد، دستیابی به این الگو در عین ایجاد آمادگی و به وجود آوردن پشتیبان‌های حمایتی برای طی کردن مراحل بعدی در اجرائی کردن این الگو، مستلزم مشارکت دادن همه نخبگان در عرصه‌های مختلف علمی و اجرائی اعم از حوزه، دانشگاه و مدیران و کارشناسان دستگاه‌های اجرائی است. به میزان افزایش ظرفیت مدیریت مراحل اولیه تدوین الگو در جلب گسترده این مشارکت، زمینه‌ساز نهادینه شدن تفکرات و اندیشه‌های حاکم بر این الگوی پیشرفت و به طبع آن، افزایش حمایت اجرائی آن است.

مختصری درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت - بخش دوم

ادامه از صفحه ۱ موجودات و برقراری یک نظم زندگی صرفاً بشری بنا شده است، باید در اندیشه بازگشت به تواضع (در عمل و تفکر) بود و کوشید تا اصل مزبور را قدری تعدیل کرد و از سودای سلطنت بشر بر همه چیز و همه کس آزاد شد.

۲- درک زمان و امکان‌های آن. برای پیشرفت باید به توانایی‌ها و ناتوانایی‌های خود تذکر پیدا کرد و تاریخ یکصد و پنجاه ساله به سر بردن در حسرت پیشرفت را با تذکر خواند و عبرت‌هایش را به جان پذیرفت:

نقد حال خویش را گر پی بریم

هم ز دنیا هم ز عقبی برخورداریم

۳- احراز آمادگی و توانایی برای تدوین و اجرای موفق برنامه‌های توسعه. قبل از انقلاب و بعد از انقلاب در کشور ما چندین برنامه هفت ساله و پنج‌ساله و چهارساله تدوین و اجرا شده است. ببیندیشیم که آیا این برنامه‌ها مناسب بوده

است و حکومتها و دولتها آنها را به درستی اجرا کرده‌اند. اگر پاسخ مثبت نیست، نقص کار در کجا بوده است؟ و آیا اکنون می‌توانیم به آسانی برنامه پیشرفت جامع که ما را به آستانه ورود در راه خاص و مطلوب برساند، تدوین و اجرا کنیم.

۴- آزادی از اضطرها و ضرورتهای داخلی و بین‌المللی و اغتنام فرصتها پیش از آنکه از دست بروند. این ضرورتها و غفلتها را اگر نتوان به کلی از میان برداشت، باید برای کم کردن آنها فکر کرد.

۵- اصلاح اساسی نظام اداری. برای هر پیشرفتی نظم اداری کارآمد لازم است. آیا هیچ فکر کرده‌ایم که این نظم با پیشرفت چه رابطه‌ای دارد. آیا تاکنون در خدمت پیشرفت بوده است یا راه دشوار آن را دشوارتر کرده است. نظم اداری کند و تپیل و بی‌فکر و بهانه‌گیر و آیین‌نامه‌باز و لابلایی که بیشتر همش صرف رفع تکلیف می‌شود، نمی‌تواند به پیشرفت خدمت کند. برای گشودن و پیمودن راه پیشرفت باید به نظم اداری مناسب اندیشید. اینکه کارمند را مسئول حسن و عیب نظام اداری بدانیم، اگر هیچ عیبی نداشته باشد،

ما را از اندیشه اصلاح نظام اداری باز می‌دارد. ۶- اعتنای شایسته به آسیبهای اجتماعی و چاره‌اندیشی برای مقابله با آنها. با سعی در رفع موانع و فراهم آوردن شرایط روحی و اخلاقی و کسب آمادگی برای طی طریق پیشرفت به طور کلی میتوان به راه خاص و طرح جمع دین با وجوهی از تجدد و عالم مدرن اندیشید. آشکارترین نشانه پدید آمدن این اندیشه و پدیدار شدن راه تازه را باید در زبان راهگشایان و رهپویان آن جست. اگر پیشرفت اسلامی - ایرانی باید کمال اخلاقی را بر پیشرفتهای علمی تکنیکی و اجتماعی - اقتصادی بیفزاید، طراحانش باید از اقامت و سکونت در مشهورات و زبان رسمی چشم‌پوشند و در طلب زبان آغازگر و رهیاب، یعنی زبانی که کمتر به تعارف و تقیب و تحسین و مدهانت آمیخته است، برآیند. اگر حقیقتاً در صد برآییم که بدانیم کی هستیم و کجا بوده‌ایم و اکنون در کجا قرار داریم و چه می‌توانیم و باید بکنیم، نسبتمان با علم به طور کلی و مخصوصاً با علوم انسانی و اجتماعی موجود نیز معلوم می‌شود.

این کنفرانس زمینه مناسبی برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است

استقبال استادان دانشگاه و حوزه از کنفرانس بسیار خوب بوده است



دکتر سید مهدی فخرایی، دبیر کمیته برگزاری دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ضمن اعلام اینکه استقبال استادان دانشگاه و حوزه از دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بسیار خوب

بوده است، افزود در این کنفرانس که دارای هشت محور اصلی بوده است تعداد ۱۸۸ مقاله دریافت شده است که بیشترین مقالات ارسالی مربوط به حوزه اقتصاد است و پس از آن حوزه های اجتماعی و مفاهیم و مبانی عمومی پیشرفت قرار می گیرند. جهت داوری مقالات اساتید برجسته حوزه و دانشگاه همکاری فرموده اند و تا کنون چندین جلسه با سراداران محترم جهت انجام بهتر فرایند داوری برگزار شده است و داوری مقالات در مراحل نهایی خود قرار دارد. دکتر سید مهدی فخرایی گفت سطح مقالات در حد مناسبی است و تعدادی از محققان و استادان برجسته کشور مقالات خود را در زمینه موضوعات و محورهای راهبردی کنفرانس ارائه نموده اند. وی افزود این کنفرانس به مدت دو روز در ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ در محل کتابخانه ملی جمهوری اسلامی برگزار خواهد شد.



اشاره: دکتر غلام رضا اعوانی از جمله استادان عرصه فکر و اندیشه و دارای مطالعات و تالیفات در رشته فلسفه و نیز عضو کمیته علمی دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. آنچه در ادامه می خوانید مصاحبه ویژه نامه کنفرانس با ایشان است.

● **سؤال** دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را از نظر اهمیت و گستره محورها و زیر محورها چگونه ارزیابی می کنید؟

محورها بسیار خوب است و اگر با دقت این محورها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد نتایج خوبی به خواست خداوند در پی خواهد داشت.

● **سؤال** محورها و موضوعات مطرح شده چقدر می تواند ایجاد فضای فکری مناسب و افزایش مشارکت دیگر صاحب نظران را به دنبال داشته باشد؟

در سطح یک همایش می تواند زمینه مناسبی را درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فراهم نماید.

● **سؤال** مهمترین چالشها و مشکلات بازدارنده پیشرفت

- ۳-۶ - چرخه نوآوری
- ۴-۶ - آمایش بنیادین
- ۵-۶ - آب، محیط زیست، امنیت غذایی و منابع طبیعی
- ۶-۶ - معماری، شهرسازی، مسکن و حمل و نقل
- ۷- اصول و مبانی پیشرفت در حوزه فرهنگ
- ۱-۷ - فلسفه و نظریه های فرهنگی
- ۲-۷ - تربیت
- ۳-۷ - اخلاق
- ۴-۷ - مناسک عبادی
- ۵-۷ - رسانه و ارتباطات
- ۸- سایر موضوعات مر تبیط

- ۲-۴ - جمعیت و نیروی انسانی
- ۳-۴ - سلامت و تامین اجتماعی
- ۴-۴ - خانواده
- ۵-۴ - مسجد
- ۵- اصول و مبانی پیشرفت در حوزه سیاست
- ۱-۵ - فلسفه سیاسی
- ۲-۵ - نظام سازی
- ۳-۵ - امنیت و دفاع
- ۴-۵ - قضا
- ۵-۵ - سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی
- ۶- اصول و مبانی پیشرفت در حوزه اقتصاد
- ۱-۶ - نظریه های اقتصادی
- ۲-۶ - فضای کسب و کار

- اسلام
- ۱-۲ - فقه و حقوق اسلامی
- ۲-۲ - فلسفه
- ۳-۲ - کلام
- ۴-۲ - عرفان
- ۵-۲ - سایر حوزه های معرفتی
- ۳- اصول و ارکان پیشرفت
- ۱-۳ - فکر و عقلانیت
- ۲-۳ - علم
- ۳-۳ - معنویت
- ۴-۳ - عدالت
- ۵-۳ - آزادی
- ۴- اصول و مبانی پیشرفت در حوزه اجتماع
- ۱-۴ - فلسفه اجتماعی و سنتهای الهی

محورهای دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

رویکرد کنفرانس به حوزه های پیشرفت، بنیادین و روش شناختی است و محورهای کنفرانس متناسب با عناوین اندیشکده های مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انتخاب شده است.

۱- مفاهیم و مبانی عمومی پیشرفت

- ۱-۱ - روش شناسی نظریه های پیشرفت
- ۲-۱ - مبانی اسلامی نظریه پیشرفت
- ۳-۱ - ابعاد تاریخی، فرهنگی و تمدنی پیشرفت
- ۲- پیشرفت و حوزه های معرفتی جهان

تاملی در مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

ادامه از صفحه ۲ ایرانی سوالاتی مطرح می شود که با پاسخ دادن به آن سوالات بتوان الگوی مورد نظر را روشن نمود. مفهوم الگو را میتوان متشکل از چهار عنصر چشم انداز، ارزش ها و سیاست های کلی، استراتژی و ساختار و نهادها دانست.

چشم انداز یک وضعیت و تصویر مطلوب از آینده را ارائه می دهد که پیشرفت جامعه باید حرکت به طرف آن وضعیت مطلوب باشد. چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران که برای سال ۱۴۰۴ شمسی تدوین و تصویب شده است، تصویری مطلوب از جامعه ایران را در آن سال با ذکر شاخص های کیفی و کمی ارائه می دهد. مقام معظم رهبری در صحبت های خود درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به نظر جامعه مطلوب را اینگونه تصویر کردند که جامعه ای است متفکر، مجهز به علم پیشرفته، با معنویت و تقوا و با زندگی مناسب. به عبارت دیگر ایشان پیشرفت را در چهار حوزه فکری، علمی، معنویت و زندگی (شامل ابعاد مختلف زندگی نظیر اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و غیره) دانستند که با پیشرفت در این حوزه ها به جامعه مطلوبی که از نظر فکری، علمی، معنویت و زندگی پیشرفته است خواهیم رسید.

ارزش ها «خوب» و «بدها» و «باید ها» و «نباید ها» را مشخص می کنند. ارزش ها رفتارهای فردی و جمعی مناسب و قابل

قبول و نامناسب و غیر قابل قبول را تعیین می کنند. در جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارزش ها نیز مطلب زیاد است. آموزه های دینی، قانون اساسی و سند چشم انداز در بردارنده ارزش هایی است که باید در یک جامعه اسلامی مبنای کار قرار بگیرد. از جمله این ارزش ها که مکررا بیان و اعلام شده است عبارتند از راستی و راستگویی، درستی، رعایت حقوق دیگران، آزادی بیان، آزادی عقیده و بسیاری دیگر از سجایای اخلاقی که ریشه در اسلام و آموزه های آن دارد. بنابراین اگر چه شاید سندی به عنوان ارزش های مورد توجه در جامعه مطلوب تدوین نشده باشد، ولی همه جا بحث از ارزش ها و آموزش و ترویج نظری آنها بوده است. بنابراین تدوین سندی روشن و گویا به عنوان ارزش ها مورد نظر در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کار ساده ای خواهد بود.

راهبرد یا استراتژی یکی از اجزای مهم الگو راهبردهای حرکت برای تحقق چشم انداز است. راهبرد یا استراتژی مجموعه ای از اقدامات یا حرکات کلی به هم مرتبط با یک توالی منطقی است که جامعه را به سمت چشم انداز می برد. در شرایط فعلی به نظر نمی رسد که راهبردهای تحقق چشم انداز تدوین شده باشد. آیا برای تحقق چشم انداز در ابتدا آموزش و پرورش را تقویت می کنیم تا آن را از وضع ضعیف فعلی خارج کنیم تا نیروهایی فکور، دانا، توانا و با احساس هویت قوی از

* استاد مدیریت دانشگاه صنعتی شریف